

سببیت و مسئولیت در جنایات غیر عمدی

محمد ظاهر نصیری*

چکیده

در حقوق جزا، مسئولیت کیفری مجرم، مبتنی بر دو عنصر علیت مادی بین جرم و فعل مجرم و برخاستگی این علیت، از اراده و خطای جزائی مجرم است. اما در فقه کیفری اسلام، مجموعه از جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، تحت عنوان (موجبات الضمان) وجود دارد، که در بسیاری از مصادیق آن، با فقدان هر دو عنصر عمد و تقصیر جزایی، در عین حال، مسئولیت مرتکب نسبت به پرداخت دیه و خسارت را به دنبال دارد. تبیین مبنا و ماهیت این مسئولیت و تطبیق آن با مبانی کلی و مسلم مسئولیت در حقوق کیفری، ضرورتی است در خور پژوهش. مقاله حاضر با چنین رویکردی و با در نظر داشت، مجموع مصادیق فقهی جنایات غیر عمدی (اعم از شبه عمد و خطای محض) به این نتیجه رسیده است که مبنای مسئولیت در این گونه جرایم، نه اراده و تقصیر جزائی مرتکب، بلکه اتلاف مادی و تحقق رابطه علیت صرفاً مادی بین فعل مرتکب و زوال سلامت جسمانی مجنی علیه است، چنانکه ماهیت این گونه مسئولیت، در مصادیق عاری از عنصر تقصیر، نه کیفری بلکه مسئولیت مدنی و جبران خسارت بزه دیده است.

کلیدواژه‌ها: سببیت، مسئولیت، جنایات غیر عمدی، اتلاف، تقصیر.

مقدمه

در حقوق کیفری، تنها در صورتی فاعل انسانی مسؤل شناخته می‌شود که بتوان یک پدیده کیفری را به او منتسب نمود. به عبارت دیگر مسؤلیت کیفری، محصول انتساب جرم به مجرم است. مقصود از انتساب، آن است که فاعل جرم (هم از نظر مادی و هم به لحاظ روانی) دارایی چنین اهلیتی باشد که بتوان جرم را عرفاً و اخلاقاً، به وی منتسب نموده و میان او و جرم واقع شده پیوند مادی و معنوی برقرار کرد. از نظر حقوقی، انتساب جرم به مجرم، با تحقق دو شرط متفاوت و ضروری تحقق پذیر است. نخست پیوند مادی میان جرم و شخص مجرم که از طریق رابطه علیت عینی و فلسفی بین فعل و نتیجه مجرمانه حاصل می‌شود. دوم، پیوند معنوی و اخلاقی میان جرم و شخصیت مجرم که تنها با وجود صفاتی خاص در مجرم از قبیل عمد یا تقصیر جزائی که از آن به اهلیت کیفری یاد می‌کنند (ساریخانی و قیاسی، ۱۳۹۵: ج ۳/ ۱۶) پدید می‌آید. بنابراین مسؤلیت کیفری، تنها با دو شرط، یکی مادی و دیگری معنوی محقق می‌شود. و با فقدان هریک از این دو شرط، مسؤلیت کیفری منتفی خواهد بود.

از سوی دیگر در فقه و حقوق کیفری اسلام در بخش جنایات، بابتی وجود دارد تحت عنوان (موجبات الضمان) (نجفی، ۱۴۳۶ق: ۴۴، ۸۱). که در برخی از مصادیق آن، نه تنها عمد یا تقصیر بلکه حتی اراده ارتکاب فعل هم وجود ندارد. مانند ارتکاب جنایت در حال خواب یا بیهوشی و...؛ اما در عین حال مرتکب مسؤل پرداخت دیه و خسارات جانی وارده دانسته شده است. هدف این تحقیق، با توجه به شرایط تحقق مسؤلیت کیفری (سببیت و تقصیر جزایی) از منظر حقوق عرفی، تبیین مبنا و ماهیت مسؤلیت در جنایات غیر عمدی است که در سه بخش ذیل به انجام رسیده: (۱) مفهوم شناسی. (۲) مبنای مسؤلیت (۳) ماهیت مسؤلیت.

الف: مفهوم شناسی

قبل از ورود به اصل بحث، واژه‌های مهم و کاربردی بحث را تبیین نموده و شرح می‌دهیم تا از این جهت ابهامی در بحث به وجود نیاید.

(۱) مفهوم سببیت

کلمه سببیت مصدر ساخته شده از ماده سبب است. «سبب در لغت به معنای دست آویز، علت، افزار، آلت و طریق آمده است» (معین، ۱۳۶۳ق: ج ۲/ ۱۸۱۵). در اصل به معنای ریسمانی است که به چیزی می‌بندند و می‌کشند و سپس به هر چیزی که با آن (چیزی دیگر را) بکشانند اطلاق شده است (طریحی، ۱۴۱۶: ج ۲/ ۷۹).^۲ و در کاربرد عرفی و عمومی به هر چیزی گفته می‌شود که «وسیله و وصول به اثر یا مقصدی است نه علت آن» (جعفری

^۲. «و أصل السبب الجبل یشد بالشیء فیجذب به، ثم جعل کل ما جر شیئا سبباً».

لنگرودی، ۱۳۸۱: ج ۳/ ۱۲۲۸). سبب در لغت به معنای پیوستگی و علت نیز آمده لکن جستجوی موارد استعمال آن، نشان می‌دهد که تفسیر سبب به علت به معنای علت تامه نیست بلکه به برخی از اجزاء علت تامه نیز سبب اطلاق می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۷۶). مفهوم سببیت در اصل یک مفهوم فلسفی بوده که حاکی از پیوند میان دو موجود و رخدادی است که یکی علت پیدایش دیگری است.

مفهوم کلی سببیت در فقه و حقوق، برگرفته شده از همان معنای فلسفی سببیت است که عبارت باشد از توقف یک پدیده بر پدیده دیگر در اصل وجود خود؛ با این تفاوت که در داوری فلسفی سببیت، همه علل و عوامل سهم در پیدایش و تکوین اشیاء، اعلام و معرفی می‌گردد، فارغ از هرگونه ارزش گذاری و اولویت دهی نسبت به علل خاص، اما در فقه و حقوق کیفری با یک رویکرد عرفی، از میان علل و عوامل گوناگون مؤثر در تحقق پدیده جزایی، تنها به شناسائی و معرفی علت مسؤل، قانونی و قابل سرزنش اقدام می‌شود و از میان همه علل و عوامل فلسفی مؤثر در ایجاد و تکوین پدیده مجرمانه، تنها عاملی را به عنوان سبب و علت به رسمیت می‌شناسد که نیروی سببیت از ویژگی اراده آگاهانه و اختیار او سرچشمه می‌گیرد و او را از لحاظ اخلاقی قابل سرزنش و مجازات می‌سازد. به همین دلیل، در حقوق کیفری رابطه سببیت تنها بین فعل انسانی و نتایج زیانبار آن، به منظور تشخیص میزان سهم او در پیدایش پدیده کیفری و در نتیجه تعیین میزان مسؤلیت او، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

بدین ترتیب فقه و حقوق کیفری، دامنه مفهوم سببیت فلسفی را تنها در دایره فعل انسانی و نتایج برخاسته از آن محدود می‌کند، و اگر احیاناً از نقش علل دیگر در تکوین جرم بحث شود هم جنبه استثنائی و فرعی داشته و به منظور شناخت سهم علت انسانی خواهد بود.

۲) مفهوم مسؤلیت

واژه مسؤلیت در لغت، مصدر جعلی از ریشه «سأل» به معنای بازخواست، مواخذه، ضمانت و ضمان است (انصاری و طاهری، ۱۳۸۸: ج ۳/ ۱۸۳۹). به بیان دیگر مسؤلیت در لغت به معنای مؤظف بودن به انجام کاری و مسؤل بودن در برابر عدم انجام آن است؛ یعنی اولاً فرد در برابر کاری مؤظف باشد و ثانیاً در برابر ترک آن، مورد سؤال و بازخواست قرار گیرد.

در اصطلاح فقه و حقوق واژه مسؤلیت نزدیک به معنایی لغوی خود به کار رفته، و به معنای التزام فرد به پاسخگویی در برابر اعمال و رفتار خویش است. حال منشاء این التزام اگر مقررات اخلاقی و وجدان فرد باشد مسؤلیت ناشی از آن مسؤلیت اخلاقی است، و اگر منشأ التزام قواعد حقوقی باشد مسؤلیت ناشی از آن مسؤلیت حقوقی خواهد بود. مسؤلیت حقوقی نیز به نوبه خود به مسؤلیت مدنی و مسؤلیت کیفری تقسیم شده که

هرکدام تعریف و ویژگی‌هایی خاص خود را دارد (طاهری، بی تا: ج ۲/۲۱۶). در ادامه پس از تعریف این دو گونه مسئولیت حقوقی، به مهم ترین نقطه اشتراک و امتیاز آنها اشاره خواهیم کرد.

۳) مفهوم مسئولیت کیفری

چنانکه اشاره شد مسئولیت ناشی از مقررات حقوقی به دو شعبه مدنی و کیفری تقسیم می‌شود. در تعریف این دو نوع مسئولیت گفته شده است: «مسئولیت کیفری مسئولیتی است که مرتکب عمل مجرمانه علاوه بر علم و اطلاع باید دارای اراده و سوءنیت یا قصد مجرمانه بوده باشد و رابطه علیت بین عمل ارتكابی و نتیجه حاصل از جرم هم بر قرار باشد تا بتوان عمل انجام شده را به مرتکب منتسب نمود، در صورتی که مسئولیت مدنی عبارت از جبران ضرر و زیان به دیگری است» (شامبیاتی، ۱۳۹۱: ج ۲، ۲۸). یا «الزام شخص به جبران خساراتی که در نتیجه عمل منتسب و مرتبط به او به دیگری وارد آمده است» (طاهری، پیشین: ۲۱۴).

چنانکه از این تعاریف مذکور بر می‌آید، این دو گونه مسئولیت در یک چیز با هم مشترکند و آن لزوم رابطه سببیت و علیت مادی بین فعل مرتکب و زیان حاصل از آن است. هم در مسئولیت مدنی و هم در مسئولیت کیفری، باید وجود چنین رابطه‌ی بین فعل مرتکب و زیان حاصل از آن، احراز گردد؛ یعنی ثابت شود که زیان و ضرری پدید آمده نتیجه و حاصل فعل مرتکب است. اما تفاوتی که بین این دو گونه مسئولیت، از منظر فقه و حقوق اسلامی وجود دارد این است که در مسئولیت مدنی احراز رابطه علیت بین فعل و نتیجه زیانبار، در عین اینکه شرط لازم برای تحقق چنین مسئولیتی است «بر اساس مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت، که عبارت باشد از اتلاف و تسبیب در فقه و نظریه مسئولیت در حقوق موضوعه» (امامی، ۱۳۷۱: ج ۱/۳۹۱) شرط کافی نیز محسوب می‌شود. یعنی به محض احراز اینکه فعل شخص، سبب و علت ایجاد زیان و ضرر بر شخص دیگر شده است حکم به مسئولیت شخص فاعل صادر شده و او ملزم به جبران خسارت می‌گردد. در حالیکه در حوزه حقوق کیفری، با وجود اینکه رابطه سببیت مادی بین فعل مرتکب و نتیجه آن ضرورت دارد؛ ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد»؛ اما صرف این رابطه هرگز شرط کافی برای تحقق مسئولیت، محسوب نمی‌گردد بلکه علاوه بر آن، فاعل ضرر، به لحاظ حالات روحی و روانی باید دارای یکی از دو حالت (عمد یا تقصیر جزائی) بوده باشد تا از نظر کیفری مسئول و مستحق کیفر دانسته شود. زیرا در حقوق کیفری جرم غیر عمد جنبه استثنائی دارد و داشتن نیت بد یکی از عناصر جرم است و موردی وجود ندارد که قانون کسی را بدون تقصیر مجرم بشناسد» (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ج ۱/ ۴۱). مقصود ما در این گفتار، متناسب با موضوع بحث، تبیین مسئولیت مرتکب در قبال جنایات غیر عمدی است. که در ادامه پس از توضیح معنای جنایت به تبیین مبنای مسئولیت در شاخه غیر عمد آن خواهیم پرداخت.

۴) مفهوم جنایت

جنایت واژه است عربی و در لغت به معنای چیدن میوه از درخت و نیز گناه و جرم است که ارتکاب آن موجب کیفر و قصاص باشد اعم از کیفر دنیوی یا اخروی (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۱/ ۳۱۰). معنای عام واژه جنایت در منابع روایی و فقهی معادل واژه ذنب و معصیت است یعنی ارتکاب گناه و انجام دادن هر کار حرام و تعدی به حقوق دیگران (حداد عادل، ۱۳۸۵: ج ۴/ ۸۳۹).

اما واژه جنایت در اصطلاح خاص فقهی خود عبارت است از جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، یعنی وارد آوردن صدمه بدنی به دیگری اعم از قتل، جرح و ضرب. بر این اساس، معنای مشهور جنایت در منابع فقهی هرگونه فعل یا ترک فعلی است که موجب وارد آمدن خسارت جانی و بدنی بر دیگری شود و عقوبتی برای آن مقرر شده باشد (همان: ۸۳۹).

جنایت به معنای فوق (جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص) به لحاظ عنصر مادی و صورت ظاهری، در همه مصادیق خود اعم از عمد و غیر عمد، به نحو مشابه و متحدالاجزاء رخ می‌دهد که اجزاء آن عبارتند از ۱- موضوع جرم، یعنی انسان زنده ۲- عمل ارتكابی اعم از فعل یا ترک فعل ۳- نتیجه یعنی صدمه جسمانی اعم از قتل، جرح و ضرب ۴- رابطه سببیت بین عمل و نتیجه واقع شده (آقایی نیا، ۱۳۸۵: ۱۷۳). اما به لحاظ عنصر معنوی و حالت روانی مرتکب، جنایت در سه حالت متفاوت ذیل امکان وقوع دارد: عمد، شبه عمد و خطای محض. که تعریف این سه قسم، در کتاب القصاص فقه، و قانون مجازات اسلامی به تفصیل بیان شده است (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۴/ ۱۸۰). ما در ادامه به اختصار بیان خواهیم کرد.

در جنایات عمدی که مرتکب با اراده و سوءنیت، اقدام به ارتکاب جنایت می‌کند از نظر تحقق مسئولیت- کیفری اشکالی پدید نمی‌آید. زیرا در این حالت، فرض بر این است که هم رابطه علیت بین فعل جانی و نتیجه حاصله برقرار است و هم فاعل از نظر روانی دارای اراده و سوء نیت است، به نحوی که انتساب جنایت واقع شده به شخصیت وی را بلا اشکال می‌گرداند.

اما در جنایات غیر عمدی اعم از شبه عمد و خطای محض، با وجود اینکه عنصر مادی مسئولیت کیفری؛ یعنی همان رابطه علیت مادی بین فعل و نتیجه موجود می‌باشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۶: ۲۶). اما تحقق پایه دیگر آن که عمد یا تقصیر جزایی باشد، در همه مصادیق جنایات غیر عمد محل اشکال است. زیرا چنانکه خواهد آمد، بر اساس موارد مطرح در فقه، نه تنها در جنایات خطای محض، بلکه در جنایات شبه عمد نیز در همه مصادیق، تقصیر و خطای جزایی جانی محرز نیست ولی با این وجود مسئولیت و ضمان پرداخت خون بها در تمام موارد به عهده جانی یا عاقله وی، تحمیل می‌شود. تبیین این مسئولیت از نظر مبنا و ماهیت، هدف آتی این نوشتار را شکل می‌دهد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

ب: مبنای مسئولیت

چنانکه گفته شد جنایات غیر عمد به دو شاخه شبه عمد و خطای محض تقسیم شده است. ما در ادامه نخست به تعریف این دو گونه جنایت در فقه و قانون مجازات اسلامی، اشاره نموده و سپس به تبیین مبنای مسئولیت در این گونه جنایات خواهیم پرداخت.

۱- جنایت شبه عمد: جنایت شبه عمد را این گونه تعریف کرده اند که: «عامداً فی فعله و مخطأً فی قصده» (قاضی ابن البراج، ۱۴۰۶ق: ج ۴۵۶/۲)، و آن وقتی است که «مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته باشد لکن قصد جنایت واقع شده بر وی یا نظیر آنرا را نداشته باشد، و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می گردد نباشد» (قانون مجازات اسلامی، م ۲۹۱). یا «جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده یا نظیر آن مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد» (همان، بند پ).

۲- جنایت خطائی: در تعریف جنایت خطای محض گفته اند که در آن جانی «مخطأً فی فعله و قصده» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق: ج ۱۱۵/۷). است؛ یعنی جانی در «جنایت ارتكابی نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید» (قانون مجازات اسلامی، بند پ، م ۲۹۱).

آنچه از دو تعریف فوق الذکر به دست می آید این است که از دو رکن مسئولیت کیفری (علیت مادی و تقصیر جزائی) رابطه استناد و علیت مادی در هر دو دسته جنایات، یعنی شبه عمد و خطای محض وجود دارد. اما رکن دیگر مسئولیت کیفری که تقصیر جزائی باشد تنها در برخی از مصادیق جنایات شبه عمد که در (همان). به آن تصریح شده وجود دارد اما در سایر موارد جنایات غیر عمدی وجود آن، شرط دانسته نشده است. پس باید دید مبنایی مسئولیت در این گونه جنایات چیست؟ تقصیر جزائی است یا صرف اتلاف.

۱- مسئولیت مبتنی بر تقصیر: از تعریفهای فوق بر می آید که تحقق جنایات غیر عمدی اعم از شبه عمد و خطای محض (بر خلاف جرایم دیگر که بر اساس ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی، تحقق آنها منوط به احراز تقصیر مرتکب است، یعنی تقصیر، رکن روانی آنها را تشکیل می دهد) منوط به وجود تقصیر و خطای جزایی نیست. زیرا جنایات شبه عمد، ممکن است همراه با خطای جزایی باشد مانند حوادث رانندگی منجر به صدمات جسمانی که ناشی از بی احتیاطی یا بی مبالاتی مرتکب است، یا بدون آن باشد مانند کار پزشکی که با رعایت کلیه ضوابط قانونی و علمی، اتفاقاً منجر به جنایت شود که بر اساس نظر مشهور فقهی، از مصادیق شبه عمد و موجب ضمان است. بنابراین در تحقق بخشی از جنایات شبه عمد، وجود یا فقدان خطای جزایی، هیچگونه تاثیری نداشته و جانی علی رغم رعایت کلیه مقررات و ضوابط مربوط به فعل ارتكابی همچنان مسئول شناخته می شود (میرمحمد صادقی، پیشین: ۱۸۹).

وقتی در جنایات شبه عمد وجود تقصیر شرط نباشد در جنایات خطای محض که گاه اصلا اراده و قصدی نسبت به مجنی‌علیه وجود ندارد، به طریق اولی وجود تقصیر و خطای جزایی از ناحیه مرتکب شرط نیست. بلکه عکس آن یعنی عدم وجود خطای جزای شرط تحقق جنایات خطای محض است به نحوی که اگر جانی در انجام فعلی که مقدمه جنایت محسوب می‌شود، مرتکب تعدی و تفریط شود به نحوی که وقوع جنایت ناشی از خطای جزایی وی قلمداد شود، جنایت ارتكابی دیگر خطای محض نخواهد بود بلکه از مصادیق شبه عمد خواهد بود. به گفته برخی «جنایت خطای محض در مواردی است که در آن جانی بدون قصد فعل واقع شده بر مجنی‌علیه و بدون آنکه نتیجه حاصله مقصود وی باشد و در حالیکه هیچ خطای جزایی از او سر نزده است مرتکب قتل یا ضرب و جرح گردد» (همان: ۱۹۹)؛ مانند «جنایت در حال خواب و بیهوشی و مانند آن» که به تصریح بند الف ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی از مصادیق جنایات خطای محض به شمار آمده است.

بنابراین آنچه گفته آمد، مسئولیت مرتکب در جنایات غیر عمدی نسبت به پرداخت دیه، نمی‌تواند، منحصرا مبتنی بر تقصیر باشد. بگونه‌ای که هر جا فعل ارتكابی ناشی از تقصیر و خطای جزایی باشد مسئولیت باشد و هر جا که تقصیر نباشد مسئولیت هم منتفی باشد. زیرا چنانکه دیدیم در مصادیق زیادی از جنایات غیر عمدی نه تنها تقصیر بلکه قصدی انجام فعل نسبت به مجنی‌علیه و بالاتر از این حتی اراده انجام اصل فعل وجود ندارد، چه رسد به تقصیر. پس مسئولیت در جنایات غیر عمد باید مبتنی چیزی دیگر باشد از قبیل اتلاف.

۲- مسئولیت مبتنی بر اتلاف: با توجه به اینکه مبنای مسئولیت در جنایات غیر عمدی را نمی‌توان در همه مصادیق آن مبتنی بر تقصیر دانست. پس باید سراغ مبنای دیگری رفت که در کلیه اینگونه جنایات کار برد داشته باشد. به نظر می‌رسد تنها مبنای را که در فقه با این ویژگی می‌توان یافت «قاعده اتلاف» و در حقوق «نظریه مسئولیت» باشد.

قاعده اتلاف علاوه بر اینکه یک قاعده فقهی و شرعی است، یک قاعده عقلی و عقلای نیز هست، یعنی عقلای عالم و اهل عرف به آن استناد می‌کنند. مفاد قاعده اتلاف این است که هر کس به دیگری ضرر و زیانی وارد نماید مسئول جبران آن است اعم از اینکه عالما عامدا باشد یا در صورت جهل و غفلت موجب زیان و ضرر شده باشد (طاهری، پیشین: ۲۴۴). به تعبیر دیگر در اتلاف تقصیر شرط ایجاد مسئولیت نیست (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۳۰). بلکه آنچه در اتلاف ضرورت دارد سه چیز است: ۱- رفتار مرتکب ۲- نتیجه زیانبار ۳- استناد مادی نتیجه زیانبار به فعل مرتکب. «در اتلاف همین که رابطه علیت عرفی بین کار شخص و تلف موجود باشد برای فاعل ایجاد مسئولیت می‌کند و لزومی ندارد که تقصیر او احراز شود» (گلدوزیان، ۱۳۸۹: ۸۴).

خاستگاه اولیه این قاعده، در حوزه حقوق مدنی و امور مالی است اما فقها این قاعده را در حوزه جنایات نیز تسری داده و در جنایات غیر عمدی که با فقدان قصد و تقصیر از سوی جانی مواجه بوده‌اند، برای توجیه

مسئولیت وی، به این قاعده استناد کرده‌اند. از باب نمونه محقق حلی در (شرایع ج ۴، ۲۳۱)، علامه حلی در تحریر الاحکام (علامه حلی، ۱۴۲۰: ج ۵ / ۵۲۷) و صاحب جواهر در جواهر الکلام (نجفی، پیشین: ج ۴۳ / ۴۴) در باب جنایات غیر عمدی به این قاعده استناد کرده‌اند. و برخی از فقهای معاصر مانند آیت الله فاضل لنکرانی، از قاعده اتلاف به عنوان تنها دلیل مسئولیت و ضمان در جنایات غیر عمدی یاد کرده و چنین فرموده است: «تنها دلیل در این باب (لزوم پرداخت دیه در قتل غیر عمد) قاعده اتلاف است که هم در مال و هم در نفس جاری می‌شود، و در جریان آن شرط اراده و قصد معتبر نیست» (فاضل لنکرانی، ۱۳۲۱: کتاب الدیات، ۵۴). یعنی در اتلاف تنها رابطه انتساب میان عمل مباشر و نتیجه حاصله، برای تحقق مسئولیت کافی است. به تعبیر برخی از محققین: «اتلاف اگر به شکل مباشرت صورت گرفته باشد مطلقاً موجب ضمان است خواه شخص، مرتکب تقصیر و تعدی شده باشد یا نه» (قیاسی، ۱۳۹۰: ۱۸۹).

۱-۲. شیوه‌های اتلاف: اتلاف یعنی تلف کردن مال یا جان دیگری از نظر شیوه وقوع، در فقه به دو گونه تقسیم شده است، مباشرت و تسبیب. اتلاف به نحو مباشرت آن است که فعل مرتکب مستقیماً منجر به جنایت شود. مانند اینکه تیری به قصد شکاری رها کرده و خطاً به کسی اصابت کند یا کسی را به منظور تادیب بزند اما اتفاقاً موجب قتل گردد. اما تسبیب عبارت از این است که فعل جانی به طور غیر مستقیم موجب جنایت شود یعنی بین فعل او و نتیجه حاصله عاملی دیگری هم در کار است مانند اینکه چاهی در معبر عام حفر کند و شخصی در آن بیافتد و بمیرد (همان).

۲-۲. تفاوت مباشرت و تسبیب: تفاوت مباشرت با تسبیب این است که، ضمان مباشرت در جنایات غیر عمدی، چنانکه گفته شد مطلق است یعنی منوط به عمد و تقصیر وی نیست.

اما در این که آیا مسئولیت مسبب در جرائم غیر عمد از نظر فقه امامیه منوط به وجود عناصری چون تعدی و تقصیر است یا مطلق و همانند مباشرت مبتنی بر رابطه استناد مادی می‌باشد، از سوی فقهای امامیه بحث منسجمی ارائه نشده است. آنچه از لابلای بیانات فقها به دست می‌آید این است که در این خصوص میان فقها، وحدت نظر وجود ندارد.

از کلام برخی استفاده می‌شود که مسئولیت مسبب در قتل، مطلق است یعنی منوط به تقصیر یا تعدی نیست چنانکه صاحب جواهر در مورد کسی که هنگام تعمیر کشتی با در آوردن تخته یا کوبیدن میخی موجب غرق شدن آن و در نتیجه خسارتهای جانی و مالی می‌شود، می‌گوید در صورت استناد فعل به وی ولو تفریط هم نکرده باشد، باز ضامن است (نجفی، پیشین: ۱۱۳). میرزا حبیب الله رشتی نیز در کتاب الغصب خود پس از اینکه کشف حکم این مورد را از اخبار مشکل دانسته و مسئولیت را دایره مدار فعل حرام کرده، در نهایت مسئولیت مطلق مسبب را ترجیح داده و تسبیب در افعال غیر حرام را حتی بدون تقصیر هم، موجب ضمان دانسته و چنین

گفته است: «ملاک ضمان ترتب اتلاف بر فعل خارجی است (صرف رابطه علیت) و بدین جهت غالب بودن این ترتب در (تحقق) ضمان شرط نیست بلکه اگر ملاک ضمان بجای ترتب بالفعل ترتب شأنی بود، نادر بودن ترتب حادثه بر فعل مسبب در ضمان و عدم ضمان تأثیر داشت» (رشتی، بی تا: ۳۲). البته روایتی منسوب به امام علی (ع) نیز وجود دارد که تسبیب را مطلقاً موجب ضمان دانسته است، آنجا که فرستادگان عمر خلیفه دوم، زنی را از جانب او احضار کردند و او از ترس سقط جنین کرد. علی (ع) قتل جنین را خطای محض و موجب دیه بر عاقله عمر دانست (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۰ / ۲۵۱). در اینجا قتل جنین از سوی عمر بالتسبیب و بدون تقصیر بوده اما در عین حال موجب ضمان دانسته شده است.

اما چنانکه بسیاری از فقها اشاره کرده اند، واقعیت آن است که مسؤولیت مسبب غیر عامد، نمی تواند مطلق باشد بلکه منوط به دو عنصر تقصیر و تعدی است، و چنانکه اشاره شده یکی از تفاوت های مهم مباشرت و تسبیب در شاخه جنایات غیر عمد، همین است که در باب مباشرت، مسؤولیت مباشر منوط به هیچ قید و شرطی نیست اما در باب تسبیب از آنجا که علیت مسبب در وقوع حادثه به شکل غیر مستقیم و با واسطه است مسؤولیت وی منوط به وجود تقصیر و تعدی دانسته شده است. این مطلب از بیان جمع بزرگی از فقها قابل برداشت است. چنانکه در همان مثال حفر چاه اگر این کار در ملک خود حفرکننده یا در ملک مباح دیگری انجام شود و موجب خسارت جانی یا مالی شود به اتفاق همه فقها ضمانی به عهده حفرکننده چاه نیست. در حالیکه از نظر علیت مادی هیچ فرقی بین این صورت و صورتی که چاه در ملک غیر، حفر می شود و موجب جنایت و ضمان می گردد نیست. زیرا در هر دو صورت از حیث علیت مادی عمل مرتکب موجب پیدایش حادثه است. تنها چیزی که صورت دوم را موجب ضمان می گرداند همان تعدی و تقصیر است که در صورت اول وجود ندارد. در کتابهای فقهی که از مصادیق تسبیب بحث کرده اند برای تحقق مسؤولیت مسبب گاه صریحاً قید تفریط و تعدی را ذکر کرده اند و گاه ضمان مسبب را منوط به قیدهای مانند «فی غیر ملکه (علامه حلی، ۱۴۱۱: ۲۰۰)، فی طریق مسلوک (فاضل آبی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۶۴۶)؛ مع علم بالسرایه (شیخ طوسی، پیشین: ج ۱۰۲/۳) دانسته اند که مفاد همه این قیدها یک چیز و آن مشروط بودن ضمان و مسؤولیت مسبب به وجود تقصیر و تعدی مسبب است که با انتفای آنها مشروط (مسؤولیت) نیز منتفی خواهد بود. عین این نظریه فقهی در ماده ۳۶۴ ق.م.ا ایران منعکس است «هرگاه دو نفر عدوانا در وقوع جنایت به نحو سبب دخالت داشته باشند کسی که تاثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تاثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود مانند آنکه یکی از آن دو نفر چاهی حفر نماید و دیگری سنگی را در کنار آن قرار دهد و عابر به سبب برخورد با سنگ به چاه افتد کسی که سنگ را گذارده ضامن است و چیزی به عهدهی حفرکننده نیست و اگر عمل یکی از آن دو عدوانی و دیگری غیر عدوانی باشد فقط شخصی متعدی ضامن است».

ج: ماهیت مسئولیت

آخرین نکته در باب مسئولیت در جنایات غیر عمدی این است که آیا مسئولیت جانی در این گونه جنایات، نسبت به پرداخت دیه و خسارت، مسئولیت کیفری و از سنخ مجازات است یا صرفاً مسئولیت مدنی و از مقوله جبران خسارت می‌باشد. پاسخ به این سؤال، با توجه به ماهیت نهاد دیه، و متناسب با مصادیق مختلف جنایات غیر عمدی، متفاوت خواهد بود. چه اینکه در ماهیت حقوقی دیه دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارند، برخی آنرا مجازات و برخی جبران خسارت می‌دانند. به گفته بعضی از حقوق دانان «واقعیت آن است که دیه ماهیت دو چهره دارد: هم مجازات است و هم به منظور جبران خسارت به شاکی داده می‌شود» (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ج ۳ / ۴۴) با توجه به این ماهیت دو چهره و قابلیت تفسیر آن، به هر دو گونه حقوقی و کیفری می‌توان سؤال فوق را به شرح ذیل پاسخ گفت که هر جا عمل ارتكابی جانی با تقصیر و خطای جزائی همراه باشد، مثل برخی مصادیق جنایات شبه‌عمد، مانند جنایت حاصل از عمل رانندگی یا کار پزشکی که در اثر تقصیر یعنی، بی‌احتیاطی و بی-مبالاتی راننده و پزشک به وقوع پیوسته است؛ در این گونه موارد، که هر دو رکن مسئولیت کیفری، یعنی هم علیت مادی در ناحیه رفتار و هم تقصیر جزائی در ناحیه مرتکب، فراهم است ما بر طبق اصل مجازات بودن دیه، عمل نموده و چنین مسئولیت را مسئولیت کیفری تلقی نموده و پرداخت دیه را نوعی مجازات می‌دانیم.

اما در سایر موارد جنایات غیر‌عمدی اعم از شبه‌عمد و خطای محض که رفتار جانی عاری از هرگونه قصد، اراده و تقصیر جزائی است مانند بسیاری از مصادیق جنایات شبه‌عمد و کلیه جنایات غیر عمد که حتی شرط وقوع آنها، فقدان خطای جزائی گفته شده است، در این موارد مسئولیت جانی بدلیل فقدان رکن دوم مسئولیت کیفری یعنی عمد و تقصیر جزائی مرتکب، نمی‌تواند مسئولیت کیفری باشد بلکه صرفاً مسئولیت مدنی و به منظور جبران خسارت است. در این گونه موارد التزام جانی به پرداخت دیه، به هیچ‌روی نمی‌تواند معرف مسئولیت کیفری وی باشد. زیرا با فقدان رکن دوم مسئولیت که تقصیر و عمد مرتکب باشد جایی برای تحقق مسئولیت کیفری در این گونه موارد نیست (میر سعیدی، ۱۳۸۳: ج ۱ / ۴۴-۴۸). بنابراین پرداخت دیه در این گونه موارد صرفاً مسئولیت مدنی بوده که به منظور جبران خسارت و زیانی وارده به سلامت و تمامیت جسمانی مجنی‌علیه یا اولیای وی، در فقه اسلامی مورد امضا و تأیید شارع قرار گرفته است.

البته گستره شمول نهاد دیه حتی نسبت به مواردی که جانی غیر‌عامل اراده و قصد انجام فعل را هم ندارد، مانند جنایت در حال خواب و بیهوشی که به ظاهر ممکن است دور از عدالت به نظر برسد، ناشی از نهایت احترام دین مبین اسلام، به عنصر حیات و سلامت جسمانی افراد و ارزشمندی خون انسان در این دین مقدس است که مبتنی بر قاعده «لایبطل دم امرء مسلم» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۴ / ۴۹۸) و قواعد دیگر فقهی است. به گفته برخی از نویسندگان قاعده: «از مجموع آنچه در باب قصاص و دیات آمده به خوبی برمی‌آید که خون مسلمان هیچ

گاه ابطال نمی‌شود و ضمانت آن به عهده قاتل یا خویشاوندان او یا هم شهری‌های اوست و اگر هیچ کدام از آنها نبودند یا آن که فقیر بودند، آن ضمانت به عهده امام، حاکم و رهبر مسلمانان است و او باید دیه خون ریخته شده را بپردازد، زیرا خون ریخته شده بی‌ضمانت در اسلام وجود ندارد. در خلال بحث به مواردی برخورد می‌کنیم که نه تنها ارزش خون مسلمان را بیان می‌کند، بلکه ارزش خون انسان بماهو انسان را یک اصل و قانون کلی بر می‌شمرد و در مواردی که قتل انسان جایز می‌شود، به خاطر امور عارضی است که حتماً باید با دلیل متقن ثابت شود» (عابدینی، ۱۳۸۵: شماره ۴۰).

نتیجه

از مجموع آنچه گذشت به نتایج ذیل منتهی می‌شویم:

- ۱- رابطه سببیت در فقه و حقوق کیفری، تنها در دائره فعل انسانی و نتایج مجرمانه برخاسته از آن، به منظور تشخیص میزان تقصیر، مسئولیت و تعیین مجازات وی، بررسی می‌شود.
- ۲- مسئولیت کیفری مبتنی بر دو سنخ رابطه مادی و معنوی بین جرم و مجرم است. رابطه مادی صرفاً حاکی از علیت و سببیت مادی و عینی بین رفتار مرتکب و پدیده جرم است؛ اما رابطه معنوی عبارت است از پیوند و اتصال میان جرم و شخصیت اخلاقی مجرم، یا به تعبیر دیگر برخاستگی جرم از سوء نیت یا خطای جزائی مجرم.
- ۳- تقصیر و خطای جزائی که یکی از دو رکن ضروری تحقق مسئولیت کیفری است، در بسیاری از مصادیق جنایات شبه عمد و کلیه مصادیق خطای محض، وجود ندارد. لذا مبنای مسئولیت در این گونه جنایات چیزی جز قاعده اتلاف یا نظریه مسئولیت، که مبتنی بر سه رکن (فعل، نتیجه زیانبار و رابطه سببیت مادی بین آن دو) است، نمی‌تواند باشد.
- ۴- ماهیت مسئولیتی مبتنی بر اتلاف، در جنایات غیر عمدی با توجه به دو چهر بودن نهاد دیه، تنها در مصادیقی از شبه عمد که با تقصیر مرتکب همراه است، می‌تواند صبغه کیفری داشته باشد؛ اما در سایر موارد که فعل ارتكابی نه تنها عاری از تقصیر و خطای جزائی است، بلکه عاری از هرگونه اراده و قصدی است مانند جنایت در حال خواب و بیهوشی، قطعاً در این گونه موارد، مسئولیت مدنی و صرف جبران خسارت است. دلیل آنهم حرمتی است که خون مسلمان بلکه مطلق انسان در شریعت از آن بهرمنند است به نحوی که شارع مقدس به هیچ وجه راضی به هدررفت و بطلان آن نیست.

فهرست منابع

• قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷.
۲. امام خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم، دارالعلم، چاپ اول، بی تا.
۳. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، تهران، کتب فروشی اسلامیه، چاپ یازدهم، ۱۳۷۱.
۴. انصاری، مسعود و طاهری، محمد، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران: انتشارات جنگل، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
۵. آقایی نیا، حسین، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص) تهران، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۶. جعفری لنگرودی، جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۷. حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دائره المعارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۸. رشتی، میرزا حبیب، کتاب الغصب، بی تا.
۹. ساریخانی و قیاسی، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۱۰. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات مجد، چاپ ششم، ۱۳۹۱.
۱۱. شیخ طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی الفقه الامامیه، تهران، المكتبة المرتضویه، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.
۱۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، المكتبة المرتضویه، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.
۱۳. صادقی، محمد هادی، حقوق جزای اختصاصی ۱ جرایم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۷.
۱۴. طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، قم، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۱۵. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، چاپ: سوم، ۱۴۱۶ق.
۱۶. عابدینی، احمد، مقاله قاعده ارزش خون انسان، مجله فقه، سال یازدهم، شماره ۴۰، ۱۳۸۵.
۱۷. علامه حلّی، حسن بن یوسف، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، تهران، موسسه چاپ و نشر، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۱۸. _____، تحریر الاحکام علی مذهب الامامیه، قم، موسسه امام صادق، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۱۹. عمید زنجانی، عباسعلی، موجبات ضمان، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۲۰. عوده، عبدالقادر، الموسوعه العصریه فی الفقه الاسلامی، قاهره، دار الشروق، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۲۱. فاضل آبی، حسن، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۷.
۲۲. فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، چاپ اول، ۱۴۲۱.
۲۳. قاضی ابن البراج، عبدالعزیز، المهذب، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۲۴. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.
۲۵. قیاسی، جلال الدین؛ تسبیب در قوانین کیفری، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۲۶. کاتوزیان، ناصر، مسؤلیت مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۱.
۲۷. _____، وقایع حقوقی مسؤلیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۳.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دار الطباعة و النشر، چاپ اول: ۱۴۲۹.
۲۹. گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای اختصاصی، تهران، نشر میزان، چاپ دوم: ۱۳۸۹.
۳۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.

۳۱. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرایع الاسلام، قم، موسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۳۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۳.
۳۳. میر سعیدی، سید منصور، مسئولیت کیفری، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۳۴. میر محمد صادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی، تهران، نشر میزان، چاپ اول: ۱۳۸۶.
۳۵. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، بی تا.